

رابطه بین تیپ‌های شخصیتی آیزنک و سیستم‌های مغزی رفتاری گری در دانشجویان

عاطفه زارعی^{۱*}، تورج هاشمی^۲

^۱ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشگاه تبریز atefe_zarei65@yahoo.com

^۲ عضو هیئت علمی گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه بین تیپ‌های شخصیتی آیزنک و سیستم‌های مغزی رفتاری گری بود. جامعه مورد مطالعه تعداد ۱۸۰ نفر دانشجوی در مقطع کارشناسی به شیوه هدفمند انتخاب شد. در این نمونه تلاش بر این بود که از گروه‌های آموزشی علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی فیزیک به طور مساوی نمونه‌ها انتخاب شود و علاوه بر آن نسبت جنسیت دانشجویان نیز لحاظ گردد. علاوه بر این متغیر سن و مقطع تحصیلی نیز بواسطه نمونه‌گیری تحت کنترل قرار گرفت. در این پژوهش از دو ابزار مقیاس سیستم‌های بازداری رفتار/فعال سازی رفتاری (BAS, BIS) و پرسشنامه شخصیتی آیزنک - فرم کوتاه (۹۰سؤالی) برای ارزیابی استفاده شد. مشاهده شد که متغیرهای نوروتیزم (N)، روان‌پریشی (P)، برون‌گرایی (E) به ترتیب دارای همبستگی‌های معنادار با عامل BIS می‌باشند و در پیش‌بینی تغییرات BIS متغیرهای (N) و (P) از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند. مشاهده شد که متغیرهای E, P دارای همبستگی‌های معنادار با عامل BAS می‌باشد ولی نمی‌توانند تغییرات BAS رو به طور معنی‌دار پیش‌بینی کنند. ضمن این که پژوهش حاضر در این میان به نقش متغیرهای جنسیت و رشته تحصیلی و وضعیت تأهل پرداخت و ارتباط عامل روان‌پریشی با سیستم‌های فعال سازی و بازداری رفتاری را مورد بررسی قرار داد.

کلید واژه‌ها: تیپ‌های شخصیتی؛ سیستم‌های مغزی رفتاری؛ دانشجویان

مقدمه

از نظر روانشناسان ویژگی‌های شخصیتی اساس الگوهای رفتاری افراد می‌باشد. آپورت شخصیت را سازمانی پویا از نظام‌های روانی و جسمانی می‌داند که در درون فرد قرار دارد و تا اندازه‌ای قابل پیش‌بینی هستند که بر عواطف و الگوهای رفتاری انسان تاثیر می‌گذارد. از نظر آیزنک ترکیب شرایط معین و عوامل نورولوژیکی و شخصیتی باعث به وجود آمدن ویژگی‌های شخصیتی مختلف می‌شود. براساس این فرضیه برخی شخصیت‌ها نسبت به انجام برخی رفتارها مستعد هستند. آیزنک درون‌گرایی - برون‌گرایی، روان‌رنجوری، روان‌نزدی را عوامل اصلی شخصیت می‌داند که هر کدام ساختار زیستی معینی دارند و از ترکیب مختلف این عوامل تفاوت‌های فردی به وجود می‌آید. گری با دید دیگری به نظریه آیزنک دو نظام متمایز مغزی، فعال سازی/بازداری رفتاری را توصیف می‌کند که به پاداش و تنبیه‌های احتمالی حساس است. افرادی که سیستم بازداری رفتاری قوی تری دارند وقتی با احتمال تنبیه مواجه می‌شوند از آن می‌گریزند رفتاری که منجر به پیامدهای ناخوشایندی شود دوری می‌کنند. نظام فعال سازی رفتاری صرفاً برای دستیابی به نتایجی که برای فرد پاداش دهنده است عمل می‌کند و موجب عدم توجه به تنبیه می‌شود. در واقع نظریه گری، نظریه‌ای است که اغلب در مقابل نظریه آیزنک قرار داشت. این نظریه دو بعد شخصیت را اصل قرار داده است که در این مورد ابعاد، اضطراب (یا مستعد اضطراب) و تکانشگری نامیده می‌شود فرض بر این است که هر یک از این دو سیستم انگیزشی؛ به یک کیفیت عاطفی گسترده (BAS به عاطفه مثبت و BIS به عاطفه منفی مربوط است و به عواطف دیگر ارتباطی ندارد. بنابراین در یک جمعیت معین، افرادی با همه ترکیبات حساسیت بالا و پایین BIS و BAS وجود دارد (کارور و وایت، ۱۹۹۴). پس به طور کلی

می‌توان گفت که گری نظریه آیزنک را از طریق چرخش ابعاد برون‌گرایی و روان‌نژند‌گرایی به وسیله ی ۴۵ درجه تعدیل کرد که در نتیجه‌ی آن دو بعد به دست آمد: تکانشگری ($e+N+$) و اضطراب ($N+E-$). تکانشگری بالا به حساسیت بالا به پاداش و فقدان تنبیه منجر می‌شود. اضطراب بالا به حساسیت بالا به فقدان پاداش، تنبیه و به تازگی منجر می‌شود سیستم گرایش رفتاری (BAS) اساس نوروفیزیولوژیکی تکانشگری است، در حالی که سیستم بازداری رفتاری (BIS) اساس نورد فیزیولوژیکی اضطراب است. اجرای پژوهش حاضر بیشتر در جهت ایجاد پلی بین نظریه آیزنک و نظریه گری بود. این نظریه شیوه دقیقی از محاسبه، بر حسب کارکرد مغز برای انواع آسیب‌شناسی روانی ارائه می‌دهد لذا هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه سیستم‌های بازداری و فعال‌سازی رفتاری با صفات شخصیتی بود.

روش

شرکت‌کنندگان و طرح پژوهش

طرح پژوهش به کار گرفته شده در این تحقیق از نوع طرح توصیفی و آن هم از نوع همبستگی و پیش‌بینی می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه تبریز بود. از جامعه مورد مطالعه تعداد ۱۸۰ نفر دانشجوی در مقطع کارشناسی به شیوه هدفمند انتخاب شد. در این نمونه از گروه‌های آموزشی علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی فیزیک به طور مساوی نمونه‌ها انتخاب شد و علاوه بر آن نسبت جنسیت دانشجویان نیز به طور مساوی لحاظ گردید. علاوه بر این متغیر سن و مقطع تحصیلی نیز بواسطه نمونه‌گیری تحت کنترل قرار گرفت.

ابزار

مقیاس سیستم‌های بازداری / فعال‌سازی رفتاری (کارور و وایت، ۱۹۹۴): کلاً شامل ۲۴ آیتم می‌باشد. مقیاس BIS شامل ۷ آیتم و مقیاس BAS شامل ۱۳ آیتم می‌باشد. ۴ آیتم آن نیز شامل سوالات انحرافی می‌باشد. مقیاس BAS، ۳ زیرمقیاس دارد که شامل پاسخ به پاداش (۵ آیتم) سائق (۴ آیتم) و جست‌وجوی شادی و تفریح (۴ آیتم) می‌باشد. ثبات درونی مقیاس BIS، ۰/۷۴ گزارش شده (کارور و وایت، ۱۹۹۴) ثبات درونی برای زیرمقیاس‌های BAS، پاسخ به پاداش و سائق و جست‌وجوی شادی و تفریح به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۴، ۰/۶۶ گزارش شده است (کارور و وایت، ۱۹۹۴). ضریب اعتبار برای مقیاس BIS ۰/۷۸ و برای زیرمقیاس پاسخ به پاداش ۰/۸۲ و برای زیرمقیاس سائق (Drive) ۰/۷۵ و برای زیرمقیاس جست‌وجوی شادی و تفریح ۰/۸۶ بود. جهت سنجش اعتبار درونی مقیاس BIS، BAS از ضریب آلفای کرونباخ استفاده می‌شود، براساس نتایج به دست آمده ضریب آلفا برای مقیاس BIS ۰/۶۶ و برای زیرمقیاس‌های BAS، پاسخ به پاداش، سائق، جست‌وجوی شادی و تفریح به ترتیب ۰/۶۴ و ۰/۷۰ و ۰/۶۱ به دست آمد (رضا عبدالمهی، مجارشین).

پرسشنامه شخصیت آیزنک - فرم کوتاه (۹۰ سؤالی): این پرسشنامه کلاً از ۹۰ سوال تشکیل شده است که ۲۵ سؤال میزان روان‌پریشی، ۲۳ سؤال میزان روان‌نژندی، ۲۱ سؤال میزان برون‌گرایی و ۲۱ سؤال میزان دروغ‌سنجی را می‌سنجد. در تحقیقی که توسط نادر محمدی (۱۳۷۷) انجام شده، اعتبار مقیاس برون‌گرایی ۰/۶۳؛ مقیاس روان‌نژندی، ۰/۷۸؛ مقیاس روان‌پریشی ۰/۵۷؛ محاسبه شد.

شیوه اجرا

به منظور اجرای پژوهش حاضر، پس از مراجعه به دانشکده‌های ۳ گروه آموزشی و دادن توضیحاتی در مورد هدف پژوهش، از بین دانشجویانی که علاقمند به شرکت در پژوهش بودند تعدادی انتخاب و سپس از طریق مصاحبه، شرکت‌کنندگان واجد شرایط از جمله؛ سن، مقطع تحصیلی و جنسیت تعدادی انتخاب و پرسشنامه‌ها به صورت گروهی به مدت زمان یک ساعت در اختیار آنها قرار داده شد.

نتایج

جدول ۱. ماتریس همبستگی صفات شخصیتی و سیستم‌های بازداری – فعال ساز رفتاری

انحراف استاندارد	میانگین	روان پریشی	برون‌گرایی	روان‌نژندی	بازداری رفتاری	فعال‌سازی رفتاری
فعال‌سازی رفتاری	۵/۱۵	۴۰/۷۳	-۰/۳۲	-۰/۲۳	-۰/۲۶	۱
بازداری رفتاری	۳/۵	۲۰/۱۶	-۰/۲۳۱	-۰/۱۴۳	۰/۵۵۶	۱
روان‌نژندی	۴/۷۲	۱۱/۹۷	-۰/۵۲	-۰/۱۳۱	-۰/۲۶	۰/۲۶
برون‌گرایی	۳/۹۵	۱۲/۷۹	-۰/۱۲	۱	-۰/۱۴۳	-۰/۲۳
روان‌پریشی	۳/۲۹	۶/۲۷	۱	-۰/۲۳۱	-۰/۲۳	-۰/۲۳

با توجه به مندرجات جدول ۱ چنین استنباط می‌شود که متغیرهای E-P-N به ترتیب دارای همبستگی‌های معنادار با عامل BIS می‌باشد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای پیش بین (N-P-E) قادرند ۳۸٪ از تغییرات BIS را به طور معنادار پیش بینی کنند چرا که F محاسبه شده ۲۷/۰۹ در سطح $P < 0/001$ معنادار است و همچنین متغیرهای P, E به ترتیب دارای همبستگی‌های معنی‌دار با عامل BAS می‌باشند اما متغیرهای پیش بین (P, E) قادر نیستند تغییرات BAS را به طور معنی‌دار پیش‌بینی کنند چرا که F محاسبه شده ۳/۷۵ در سطح $P < 0/001$ معنادار نیست.

بحث

در مورد پیش‌بینی تغییرات BIS بر اساس صفات شخصیتی مشاهده شد که متغیرهای E, P, N به ترتیب دارای همبستگی‌های معنی‌دار با عامل BIS می‌باشد و در پیش‌بینی تغییرات BIS متغیرهای نروتیزم (N) و روان‌پریشی (P) از اهمیت بیشتری برخوردار و این یافته‌های گری مک ناتان (۲۰۰۰) همسو می‌باشند. گری و مک ناتان (۲۰۰۰) بیان کردند که فعالیت بالای BIS منجر به ویژگی‌های تشخیصی اضطرابی می‌شود که پیشگیری کننده افرادی با برخی از اختلالات اضطرابی دقت (به نقل از بی‌چاین، ۲۰۰۱) و اضطراب بالا نیز آمیخته‌ای از روان‌آزرده‌گرایی و درون‌گرایی بالا است و (گری، ۱۹۹۴) حساسیت BIS به نظر می‌رسد پیشگیری کننده استرس‌های هیجانی منفی مختص در موقعیت‌های پر استرس بدون توجه به طبیعت استرس‌ها است.

بازداری رفتاری و بازگیری ممکن است پیش‌گویی کننده شخص در کنار آمدن نافع و ضعیف باشد. مطالعات متعدد ارتباط BIS با عوامل منفی را نشان داده‌اند (لارسن و کتلا، ۱۹۹۱؛ هرکب، ۱۹۹۸؛ کارور و دایت، ۱۹۹۴؛ کارور، ساتون و شی‌یر، ۲۰۰۰؛ نقل از می‌پر، راس و الیویر، ۲۰۰۵) از سوی دیگر هیجان‌های منفی شاخص روان‌نژندی گرابی محسوب می‌شود و فرد دارای خصلت روان‌نژندی گرابی به هنگام رخداد مسائل سازگاری و موقعیت‌های استرس‌آور در معرض افسردگی و اضطراب، سرزنش‌کننده خویش و کناره‌گیری شده سریع از موقعیت‌های ناکام کننده است (پارکز، ۱۹۸۶) و پژوهش حاضر هم حاکی از این است که عامل (N) به تنهایی ۳۰٪ از تغییرات BIS و پیش‌بینی می‌کند و بعد شخصیتی اضطراب که گری مطرح می‌کند از چرخش ۴۵ درجه‌ای روان‌نژندی گرابی به وجود آمده است. مشاهده شد که متغیرهای E, P دارای همبستگی‌های معنی‌دار با عامل BAS می‌باشد. ولی نمی‌توانند تغییرات BAS را به طور معنی‌دار پیش‌بینی کنند؛ در مورد فعالیت سیستم فعال ساز می‌توان به رابطه مثبت فعالیت این سیستم با زودانگیزگی کلی و زودانگیزگی در مدت تکلیف روی آوری، حساسیت به پاداش، جست و جوی تجربه، تمایلات روی آوری در مقابل تهدید روابط دلبستگی و رابط منفی با روان‌آزرده‌گرایی و ارتباط کم آن با روان‌پریشی گرابی و هم‌چنین رابطه زودانگیزگی با پردازش اطلاعات خویشاوند و برانگیزگی رفتاری با برون‌گرایی اشاره کرد (گمز و گمز، ۲۰۰۵؛ هارمون – جونز، ۲۰۰۳؛ کارور و ایت، ۱۹۹۴؛ هیبونیمی و همکاران، ۲۰۰۳؛ کویلتی واکمان، ۲۰۰۳؛ می‌پر، راس و الیویر، ۲۰۰۵؛

جرم و همکاران، ۱۹۹۹). داده‌های الکتروانسفالوگرافی EEG و تصویر برداری نورونی نشان می‌دهد که روی آوری به مشوق‌ها با برانگیختگی نسبتاً بالاتر؛ به نواحی پیش‌پیشانی نیمکره چپ ارتباط دارد، پس به نظر می‌رسد مداری که روی آوری را تحت تاثیر قرار می‌دهد، نسبتاً در این نواحی قرار دارد (هارمون، جونز و آلن، ۱۹۹۷؛ به نقل از کارور، ۲۰۰۴). با توجه به این که عوامل مثبت و پیش‌بینی اجتماعی با فعالیت سمت چپ عصبی مرتبط است (باک، ۱۹۹۹) هم‌چنین فعالیت سیستم با تعامل به پاداش‌های جدید و روی آوردن به رویدادهای پاداش دهنده بالقوه در تحریک لحظه‌یی و (جستجوی سرگرمی) پاسخ مثبت به رخدادهای پیش‌بینی پاداش (پاسخدهی به پاداش) و جستجوی مکرر اهداف مطلوب (سائق) رابطه مثبت دارد (هارمون و جونز ۲۰۰۳) و این در حالی است که کارور و وایت (۱۹۹۴)، سه مورد بالا را سه مولفه این سیستم می‌دانند و پیشینه پژوهش هم‌بیانگر رابطه منفی آنها با روان‌آزرده‌گرایی است. ضمن آنکه در بعضی موارد مطالعات نشان دهنده رابطه آن با روان‌پریشی‌گرایی هستند (کنیاز و همکاران، ۲۰۰۴؛ جکسون و اسمیلی، ۲۰۰۴؛ جرم و همکاران، ۱۹۹۹).

منابع

- Gray , J. A. (1981). *A critique of Eysenck's of personality*. In H. J. Eysenck. *A model for personality*. Berlin : springer Verlage.
- Eysenck , H. J. (1967). *The Biological Basis of personality Spring field II*: Charles C Thomas
- parkes, K. R. (1986). Coping in Stressful episodes : The Role of individual differences , environmental factors , and situational characteristics. *Journal of personality and social psychology* , 51 , 1271 – 1292.
- Gray , J. A. (1994). *Framework for a taxonomy of psychiatric disorders*. In Goozen , s. H, Van Depoll , N. E., sergent , J. A. *Emotions: Essayson emotion theory*. Hillsdole, NJ: Earlbaum.
- Gray, G. A: Mcnachton, N. (2000). The neuropsychology of anxiety. *oxford psychology series*, 33.
- Carrer, C. S., & wite, T. L. (1994). Behavioral inhibition, behavioral activation , and affective responses to impending reward and punishment : the BIS /BAS scales. *Journal of personality and social psychology*, 67, 319. 333.